قاتل شمشیرزن در پزشکی‌قانونی

پسر دانشجو که بعد از مصرف ماده مخدر مجیک ماشروم، دختر و پسر جوانی را در جشن تولد کشته بود، قرار شد برای مشخص شدن این‌که در زمان قتل اراده‌ای از خودش داشته یا نه، به پزشکی‌قانونی برود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، سه دختر و دو پسر جوان که همگی دانشجو بودند، نیمه‌شب بیست‌وسوم بهمن سال گذشته برای تولد جشن در خانه اجاره‌ای در محله جنت‌آباد تهران جمع شدند و ماده مخدر مجیک‌ماشروم مصرف کردند. در ادامه و بر اثر توهم، یکی از آنها به نام مهرداد، یک دختر و یک پسر را به قتل رساند.

پسر ۲۱ ساله در اظهاراتش گفته بود بر اثر مصرف مخدر و توهم ناشی از آن با شمشیر دو نفر از مهمانان را کشته است. او بعد از بازسازی صحنه قتل‌ها روانه زندان شده بود. همچنین پزشکی‌قانونی اعلام کرده بود که او در زمان جنایت جنون نداشته است. امیرحسین علیمردان، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: چند روز پیش وکیل متهم پرونده درخواست کرد که قاتل دوباره به پزشکی‌قانونی برود تا مشخص شود که وی در زمان قتل اراده‌ای از خودش داشته یا نه که باتوجه به این خواسته، قرار شد برای بررسی این موضوع قاتل دوباره به پزشکی‌قانونی معرفی شود.



کاک یونس؛ قهرمان جنگل های اورامانات

گفت و گو با ورزشکار توانخواه که اقدام به مهار آتش جنگل کرد

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

نام مقدس «ایران» ورد زبانش است. لابه‌لای هرجمله‌اش عشق به وطن و طبیعت موج می‌زند. در مورد کاک یونس فیضی صحبت می‌کنیم. مردی ۳۸ ساله از دیار پیرانشهر آذربایجان‌غربی که فیلم آتش خاموش‌کردن او باوجود معلولیت از ناحیه دو پا در فضای مجازی داغ شد. او پنجشنبه هفته گذشته از پیرانشهر به محل آتش‌سوزی در ثلاث باباجانی کرمانشاه رفت و پابه‌پای مردم و نیروهای اداره محیط‌زیست کرمانشاه، آتش افتاده به جان طبیعت را خاموش کرد. گفت‌وگوی جام‌جم را با او بخوانید.







چرا با این شرایط جسمی تصمیم گرفتید به ثلاث باباجانی بروید؟

من عاشق ایران و طبیعت هستم. همیشه دلم می‌خواهد وطنم شاد و سرسبز باشد. از فضای مجازی متوجه شدم که در آن منطقه آتش‌سوزی رخ داده است. من هم به خاطر عشق به وطن تصمیم گرفتم به آنجا بروم. آن روز فرزندم عمل جراحی داشت اما آبادی و شادابی وطنم مهم‌تر بود. همراه با دوستم که او هم مثل من از ناحیه دو پا دچار کم‌اندامی است، با خودروی خودم از پیرانشهر به سمت‌کرمانشاه که ۶۰۰ کیلومتر فاصله دارد، حرکت‌کردیم.

چه اتفاقی باعث شد تا هر دو از ناحیه پا دچار مشکل شوید؟

سال ۱۳۷۱ شش ساله بودم و همراه دو برادر و خواهر ۱۲، ۱۰ و هشت ساله‌ام مشغول بازی در محل زندگی‌مان در پیرانشهر بودیم. آن زمان سیلاب آمده و با خودش مین انفجاری وارد شهر کرده بود. مشغول بازی بودیم‌که ناگهان مین منفجر شد و دو برادر و خواهرم شهید شدند. من هم از ناحیه پا دچار کم‌اندامی شدم. دوستم هم به دلیل انفجار مین هر دو پایش را از دست داد. پنجشنبه‌شب به ثلاث باباجانی رسیدیم و از یکی از بومی‌ها محل آتش‌سوزی را پرسیدیم که گفت پشت کوه‌ها و ۱۰ کیلومتری شهر است. یکی دیگر گفت برای خاموش کردن آتش آمدی؟ اینجا گردنه دارد و خطرناک است. مرد دیگری هم با محبت و مهمان‌نوازی به ما گفت امشب را استراحت کنید و صبح جمعه به محل حادثه بروید که همین کار را کردیم.

برای رفتن به محل با چه کسانی هماهنگ کردید؟

با محیط‌زیست و هلال‌احمر. وقتی توضیح دادم که برای چه به ثلاث آمده‌ام، از شوق گریه‌کردند. فاصله زیادی تا آنجا بود و دوستان محیط‌زیست با خودرو مرا به بالای کوه و محل آتش‌سوزی بردند. بومیان و فعالان محیط‌زیست از دیدنم در آن محل هم تعجب‌کردند و هم ذوق داشتند.

با همان تکه‌پارچه‌ای که در دست داشتید، آتش را خاموش می‌کردید؟

آن تکه‌پارچه تیشرتم بود که از تنم درآوردم. موقع خاموش‌کردن آتش، زمین داغ بود و دست چپم سوخت، اما نه خستگی برایم اهمیت داشت و نه سوختگی. حتی گرمای شدید هوا هم تاثیری نداشت. اگر آن لحظه جان هم می‌دادم، برایم مهم نبود. من عاشق ایران هستم و حاضرم جانم را هم فدایش‌کنم. همراه با بچه‌های محیط‌زیست تا عصر روز جمعه آنجا بودیم و شنبه صبح به خاطر بچه‌ام به پیرانشهر برگشتم. دوستم هم در خاموش‌کردن آتش خیلی کمک کرد.

همسرتان مخالفتی نکرد؟

نه، اصلا. او خودش هم عاشق ایران و طبیعت است و اگر بچه‌ام عمل جراحی نداشت، حتما همراه ما می‌آمد و کمک‌مان می‌کرد. من فرزند ایران هستم، پدر، مادر و اجدادم ایرانی هستند و وطنم برایم مهم است.

اگر دوباره آتش‌سوزی در نقطه دیگری از ایران رخ دهد، باز هم به آنجا می‌روید؟

قطعا. اگر خدای نکرده هر گوشه از وطنم آتش بگیرد و به کمکم نیاز باشد با جان و دل می‌روم. وطن یعنی مادر. هرکس به وطنش خیانت کند، انسان نیست، حتی مسلمان هم نیست. من در زمان‌های لازم درخت بلوط می‌کارم، چون دوست دارم ایران همیشه آباد باشد.

شما ورزشکار هستید؟

حدود ۲۰ سالی است ورزش می‌کنم و در رشته‌های پرس سینه، اسب‌سواری، شنا و قایقرانی مدال طلای کشوری دارم و کوهنوردی هم می‌کنم.

چند فرزند دارید و منبع درآمدتان چیست؟

سه فرزند دارم. در حال حاضر هم حقوق جانبازی دریافت می‌کنم و هم معامله خودرو انجام می‌دهم.

مادر مقتول بعد از بخشش متهم در دادگاه:

عاشق قاتل پسرم شده‌ام!

محمد غمخوار
دبیرگروه حوادث

«من عاشق قاتل پسرم هستم و برای همین او را می‌بخشم تا زودتر آزاد و سایه بالای سرمان شود. خدا به خاطر قتل پسرم به موقع مجازاتش می‌کند.» این درخواست زن جوان در جلسه محاکمه قاتل پسر پنج ساله‌اش است، پسربچه‌ای که قربانی کودک‌آزاری مرگبار شده بود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دهم دی‌ماه سال ۱۴۰۱ زن جوانی هراسان درحالی‌که پسر پنج ساله‌اش را در آغوش داشت وارد اورژانس بیمارستان شهدای هفتم‌تیر شهرری شد. او با التماس و گریه برای نجات جان پسربچه‌اش کمک می‌خواست. پسربچه سریع به اتاق احیا منتقل شد، اما پزشکان متوجه شدند که چند ساعتی از مرگ او گذشته و تلاش‌ها برای نجات جانش بی‌فایده است. با توجه به آثار شکنجه و کودک‌آزاری روی بدن این کودک، موضوع به پلیس گزارش شد و بازپرس ویژه قتل شهرری همراه تیم جنایی در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مقتول پسر پنج‌ساله تبعه افغانستان است که همراه مادر، خواهر و ناپدری‌اش در یک دامداری در کهریزک زندگی می‌کرد.

مادر محمد در تحقیقات مقدماتی گفت: بعد از فوت همسرم با یکی از هموطنانم ازدواج کردم. به‌عنوان سرایدار و کارگر در یک دامداری زندگی می‌کردیم. امروز برای کاری از خانه بیرون رفتم و محمد و شوهرم نظیر در خانه تنها بودند. حوالی ظهر نظیر با من تماس گرفت و گفت حال محمد خوب نیست. خودم را به خانه رساندم و دیدم محمد کنار دیوار افتاده و نفس نمی‌کشد. تاکسی گرفتم و خودم را به بیمارستان رساندم اما دیر شده بود.

شهلا درباره سرنوشت نظیر اظهار داشت: درباره علت مرگ پسرم از نظیر پرسیدم که ادعا کرد با آجر به پهلوی او زده است. نظیر قبل از بیمارستان از ماشین پیاده شد و گریخت. او معتاد است و پسرم را قربانی اعتیادش کرد. جسد برای تعیین علت مرگ به پزشکی‌قانونی منتقل شد و ماموران تجسس برای دستگیری قاتل فراری را آغاز کردند. ردیابی‌ها نشان داد او به سمت جنوب کشور رفته و قصد فرار به افغانستان را دارد. ماموران سایه‌به‌سایه تعقیبش کرده و سرانجام ردش را در یکی از روستاهای شیراز زده و دستگیرش کردند.

نظیر در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: ۳۵ سال دارم و دو سال قبل به شهرری آمدم. از جوانی شیشه می‌کشم و ناس مصرف می‌کنم. مادر محمد را از قبل می‌شناختم اما وقتی شوهرش فوت کرد با او ازدواج کردم و به تهران آمدم. زمانی که موادمخدر مصرف می‌کردم، کنترل مغزم را نداشتم و به خانواده‌ام پرخاشگری می‌کردم. روز حادثه ناس کشیده بودم و از محمد خواستم یک لیوان آب بیاورد. وقتی او از آشپزخانه بیرون آمد، به شکل موجودی وحشتناک دیدمش. تکه‌آجری به سمتش پرت کردم. بعد خوابم برد. چند ساعت بعد وقتی بیدار شدم، محمد مرده بود. با همسرم تماس گرفتم. وقتی آمد محمد را به بیمارستان بردیم. من وسط راه پیاده شده و از ترس فرار کردم.

ناپدری سنگدل پای میز محاکمه

پرونده این جنایت بعد از تحقیقات تکمیلی با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و نظیر در شعبه دهم پای میز محاکمه قرار گرفت. در ابتدای این جلسه مادر محمد درحالی‌که به پهنای صورت اشک می‌ریخت گفت: «این مرد بچه‌ام را کشت که تقاص کارش را از خدا می‌گیرد. من هم در این ماجرا مقصرم. در این مدت که نظیر در زندان است زندگی‌ام را با مشکل اداره می‌کنم. من او را دوست دارم و می‌بخشمش تا زودتر آزاد شود و سایه زندگی‌ام باشد. قرار است بعد از آزادی او به افغانستان برویم و آنجا زندگی کنیم.»

رئیس دادگاه: روز حادثه چطور متوجه ماجرا شدی؟

مادر مقتول: نظیر زنگ زد و خبر داد که بچه را زده و او تکان نمی‌خورد. سریع خودم را به خانه رساندم. بدن محمد سرد شده بود که به بیمارستان رفتیم. در میان راه با نظیر دعوایم شد و او را از ماشین پیاده کردم. وقتی به بیمارستان رسیدم گفتند پسرم مرده است.

رئیس دادگاه: مطمئنی این مرد آزاد شود، همین بلا را سر بچه دیگرت نمی‌آورد؟

مادر مقتول: وقتی به افغانستان برویم دختر ۱۳ ساله‌ام را شوهر می‌دهم.

رئیس دادگاه سپس از نظیر خواست در جایگاه متهم قرار بگیرد و از خود دفاع کند که او با قبول اتهامش گفت: من سه ماه بود ترک کرده بودم. شب قبل پیش دوستانم رفتم و مواد کشیدیم. همین حالم را خراب کرد و محمد را با آجر زدم. بعد از آن دیگر متوجه چیزی نشدم.

رئیس دادگاه: پزشکی‌قانونی علت مرگ را خفگی اعلام کرده است؟

نظیر: نمی‌دانم، چیزی یادم نیست. شاید گلویش به دیوار خورده باشد.

رئیس دادگاه: چه زمانی متوجه ماجرا شدی؟

نظیر: حدود سه ساعت بعد. یک ساعت هم طول کشید همسرم به خانه بیاید.

رئیس دادگاه: چرا فرار کردی؟

نظیر: همسرم من را از ماشین پیاده کرد. پدرم در برازجان زندگی می‌کند و می‌خواستم به خانه آنها بروم.

متهم به قتل در آخرین دفاعیاتش از قضات خواست او را ببخشند و گفت: در زندان یک چشمم خون است و چشم دیگرم اشک. یک شب خواب راحت ندارم. در پایان قضات وارد شور شدند تا حکم محکومیتش را از جنبه عمومی جرم صادر کنند.





ردپای مرد قاچاقچی در قتل ۳ مرد معتاد

ردپای مردی که به اتهام قتل مرد معتاد در زندان به سر می‌برد، در قتل سه مرد دیگر به دست آمد. پلیس احتمال می‌دهد او مرتکب این قتل‌ها شده باشد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل پاییز سال گذشته جسد مجهول‌الهویه مردی جوان در زیر پلی در جنوب غرب تهران از سوی مرد رهگذری کشف و به پلیس گزارش شد. با حضور ماموران در محل معلوم شد که او بر اثر خفگی به قتل رسیده است. هویت مقتول نامشخص بود تا این‌که ماموران پرونده افراد گمشده را بررسی کردند و معلوم شد خانواده‌ای گمشدن پسر معتاد خود را گزارش داده‌اند. آنها وقتی جسد را در پزشکی‌قانونی دیدند، گفتند که او فرزندشان است.

تحقیقات در این‌باره ادامه داشت تا این‌که ماموران ردمردی که در زمینه قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر فعالیت داشت و آخرین‌بار با مقتول دیده شده بود را به‌دست آوردند. وی تحت تعقیب بود تا این‌که چند ماه بعد از جنایت بازداشت و با اعتراف به قتل روانه زندان شد. هفته گذشته و بعد از گذشت ۱۰ ماه از این قتل برای آخرین جلسه تحقیقات به شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: مقتول و افراد معتاد دیگری از من مواد می‌خریدند، اما به سختی پول مواد را می‌پرداختند. مقتول از من شیشه خریده و پولش را نمی‌داد و به من بدهکار بود؛ روز حادثه سر این موضوع دعوایمان شد و حاضر نشد طلبم را بپردازد که با شدت گرفتن درگیری او را با دستانم خفه کردم و با رهاکردن جسد زیر پل رفتم.

او به زندان بازگشت و پرونده‌اش به اتهام مباشرت در قتل عمدی با صدور جلب به دادرسی برای محاکمه قاتل به دادگاه ارسال شد تا او محاکمه شود. این در حالی بود که دیروز ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به بازپرس پرونده اطلاع دادند که در یک‌سال گذشته سه مرد دیگر که همگی معتاد و کارتن‌خواب بودند در محله‌های جنوب، شرق و غرب تهران به فاصله چند ماه از یکدیگر خفه شده‌اند؛ بنابراین احتمال دارد که مرد زندانی که معتادی را کشته در پرونده این سه قتل که در پلیس آگاهی مفتوح هستند، نقش داشته باشد. امیرحسین علیمردان، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با توجه به اطلاعاتی که ماموران در اختیارم گذاشتند قرار شد که مرد زندانی تحویل اداره دهم پلیس آگاهی تهران شود و در رابطه با سه قتل مرد معتاد دیگر از او تحقیقات لازم انجام گیرد.

۴ مصدوم در آتش‌سوزی تانکرهای سوخت

آتش‌سوزی گسترده تانکرهای حمل سوخت در منطقه ویژه اقتصادی دوغارون تایباد منجر به مصدومیت چهار نفر شد.

سیدرضا عباسی‌نیشابوری، سرپرست اداره‌کل مدیریت بحران استانداری خراسان‌رضوی در این‌باره به ایسنا گفت: چهار دستگاه تریلی حامل گازوئیل در منطقه بازارچه منطقی دوغارون در حرکت بود که آتش گرفت. باحضور به‌موقع نیروهای امدادی و آتش‌نشانی، حریق اطفاء شده و نیروهای امدادی درحال لکه‌گیری وپاکسازی هستند. علت اصلی آتش‌سوزی و میزان خسارت‌های وارده دردست بررسی است. آخرین گزارش‌ها حاکی است که در جریان این حادثه، چهار نفر مصدوم شدند.

بخشش قاتل به خاطر دخترش

مرد زندانی که قرار بود برای دومین مرتبه پای چوبه دار برود از سوی والدین مقتول و به خاطر دخترش بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی مرداد سال ۱۳۹۹ وقوع قتل مردی جوان در یکی از محله‌های جنوبی تهران به پلیس گزارش شد. با حضور تیم جنایی پلیس پایتخت در محل، معلوم شد مقتول و دوستش با موتورسیکلت در حرکت بودند که با راننده پرایدی بر سر رانندگی درگیر شدند. در جریان این جدال راننده که معتاد و عصبانی بود، موتورشان را زیر گرفت و باعث مرگ یکی از آنها شد. قاتل بعد از چند هفته بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد و پس از بازسازی صحنه قتل روانه زندان گردید. مدتی بعد او در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه و در جلسه دفاع از خود گفت: معتاد بودم و حالم خوب نبود. از سویی سابقه زندان رفتن هم داشتم. در این درگیری خیلی ترسیدم و برسر عصبانیت آن موتورسیکلت را زیر گرفتم که باعث مرگ مرد جوان شد. او به زندان بازگشت و قضات دادگاه حکم به قصاص وی صادر کردند. این رأی در دیوان عالی کشور تایید و برای اجرا به شعبه سوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. مرداد سال گذشته قاتل پای چوبه دار رفت که با تلاش دادیار اجرای احکام و تیم صلح‌وسازش دادسرای جنایی تهران حکم متوقف و توانست از خانواده مقتول برای جلب رضایت مهلت بگیرد. شیما جعفرمحمدی، دادیار شعبه سوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: در این یک‌سال شش جلسه صلح و سازش با والدین مقتول برگزار کردیم که سرانجام چند روز پیش در حالی که قرار بود قاتل برای دومین مرتبه پای چوبه دار برود، این تلاش‌ها نتیجه داد و اولیای دم مقتول سرانجام به خاطر پویش به خاطر حسین(ع) می‌بخشم و ایام محرم بدون هیچ چشمداشتی قاتل را بخشیدند تا دختر او داغ پدر را نبیند. با این بخشش قرار شد که پرونده مرد زندانی جهت بررسی از جنبه عمومی جرم برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شود.

مرگ ۲ سارق در تعقیب و گریز با پلیس

دو مرد که با خودروی سرقتی در جاده گرمدره در حرکت بودند، در تعقیب و گریز پلیسی هدف شلیک گلوله قرارگرفتند و کشته شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، صبح دوشنبه پانزدهم مرداد امسال ماموران انتظامی هنگام گشت‌زنی در گرمدره استان البرز مشاهده کردند یک خودروی سواری با سرعت بالایی در حرکت است. ماموران با ظنین شدن به این خودرو بلافاصله پلاک را استعلام کردند که معلوم شد خودرو ساعاتی قبل به سرقت رفته و دستور توقیف دارد. ماموران با اطلاع از این موضوع به تعقیب خودروی سرقتی پرداختند و با اخطار به راننده از او خواستند توقف کند که راننده بی‌توجه به این اخطارها به فرارش ادامه داد. سرانجام در حین تعقیب و گریز ماموران به سمت خودرو تیراندازی کردند تا آن را متوقف کنند که تعدادی از تیرها به راننده و سرنشین اصابت کرد و باعث زخمی شدن‌شان شد. با توقف خودرو در حاشیه جاده، آنها به بیمارستان منتقل شدند اما به دلیل شدت جراحات فوت کردند. با دستور بازپرس جنایی کرج در استان البرز اجساد برای مشخص شدن هویت‌شان به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیق از ماموران انتظامی هم ادامه دارد.

ناکامی قاتل برای فرار به پاکستان

پسر جوان که بر سر کل‌کل در خیابان با دو نفر درگیر شد و یکی از آنها را کشت و در فرار به پاکستان ناکام مانده بود، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، نیمه دوم تیر امسال سه مرد جوان در حوالی یک کافه سنتی در غرب تهران با هم درگیر شدند که یکی از آنها با ضربه‌های چاقو به قتل رسید. با حضور پلیس جنایی در محل قتل، دوست مقتول به آنها گفت: خانه‌مان همان نزدیکی است و با مقتول برای تفریح بیرون آمدیم. قاتل هم با دختری آنجا بود. به ما نگاه کردند و میان ما کل‌کل رخ داد. دعوا کردیم که او فرار کرد و رفت اما دقایقی بعد دوباره بازگشت که این بار با انبر و چاقو در دستش به جان ما افتاد و دوستم را با ضربه‌های چاقو کشت. در تحقیقات محلی هویت قاتل به دست آمد اما وقتی ماموران برای دستگیری او به خانه‌اش رفتند، آنجا را ترک کرده بود و کسی از او خبری نداشت. پلیس بعد از یک ماه در جست‌وجوی او، ردش را در خانه یکی از اقوامش در شهرستان پردیس به دست آورد و او را بازداشت کرد. او دیروز در جریان تحقیقات گفت: من و دختر مورد علاقه‌ام به آن کافه سنتی رفته بودیم. بعد از خروج ما از آنجا دو مرد را دیدم که به ما نگاه می‌کردند. ما هم آنها را نگاه کردیم که همین باعث کل‌کل ما شد. به مغازه جگرکی برادرم در غرب تهران رفتم. انبر زغال و چاقو را برداشتم و به سمت آن دو جوان رفتم. با آنها درگیر شدم و بعد با چاقو یکی از آنها را زدم که فوت شد. دوست دخترم را به خانه‌اش رساندم و بعد به کمک قاچاق برها فرار کردم و به خانه‌ای مرزی در شرق کشور رفتم تا از آنجا مرا به پاکستان و بعد ترکیه منتقل کنند. اما قاچاق‌بر سرم کلاه گذاشت و پول‌هایم را برد و دستگیر شدم. محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف متهم به قتل، تحقیقات از او ادامه دارد.

جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ شماره ۶۸۲۸